

بخش دوم

پیوندیهودیان

با فرهنگ ایران زمین



پروفیسور امنون نتصر در این
بخش از گفت و گوها به
بیان پیشینه تاریخی یهودیان
ایران و سهم فرهنگی آنان
در این سرزمین می پردازد

"عمرانی" شاعری یهودی بود که اندیشه های صوفی گرایانه داشت



در فتح نامه" عمرانی، یوشع بن نون یهودیان را به سرزمین پدری باز می گرداند

پرسش - تقاضا داریم که به سخن خود درباره عمرانی ، شاعر یهودی ایرانی ادامه دهید.

پاسخ - نکته مهمی که هنوز به آن نپرداخته ایم زمان تولد و درگذشت عمرانی و نام زادگاه اوست. در سال ۱۴۷۴ عمرانی سرودن نخستین منظومه خود را که "فتح نامه" خوانده می شد آغاز کرد. ولی او در سال ۱۴۵۴ میلادی چشم به جهان گشود، یعنی در سن بیست سالگی سرودن این اثر خود را آغاز کرد. او در شهر اصفهان زاده شد و در یکی از منظومه های خود می گوید "من در اصفهان زندگی می کردم و ناچار شدم به کاشان نقل مکان کنم" که این گفته، خود نشان از زادگاه او دارد. عمرانی حدود هشتاد و دو سال زیست و حدود سال ۱۵۳۶ میلادی، احتمالاً در دوران شاه طهماسب اول خاندان صفوی چشم از جهان فرو بست.

عمرانی خود می نویسد که منظومه "فتح نامه" را به دنبال کتاب شاهین به نظم کشیده است. او می گوید:

چو دیدم بود شاهین گفته "تورا" (تورات) مسلم داشتم "تورا" مرا او را

بنابراین، عمرانی در سروده های خود دنباله اشعار شاهین را می گیرد و به جلو می رود. با این که هنوز معلوم نیست که چرا عمرانی کار خود را ادامه نداده و آن را در یک جایی و به طور ناگهانی قطع می کند. او در "فتح نامه" همچنین می سراید:

رفیق و مشفق و محروم بسی بود	نبی یوشع را همدم بسی بود
چو پینحاس و چوکالب و چو یائیر	چو العازار و ایتامار و ماگیر
امیران بلوک نسل عنبر	همه نام آور و سردار و سرور
به وقت بزم ، هریک شیر گیری	به روز رزم هریک تندشیری

و او همین گونه ادامه می دهد و به تعریف جنگ و نبردهائی می پردازد که به فرماندهی یوشع بن نون برای بازگرداندن بنی اسرائیل به سرزمینشان در می گرفت. احتمال دارد که اشعار دیگر عمرانی بیشتر از "فتح نامه" او به دل می چسبد.

عمرانی آثار دیگری نیز دارد که عبارتند از: "واجبات و ارکان سیزده گانه ایمان اسرائیل". به طوری که از خود اسم این اثر استنباط می شود، یهودیان اصول ایمانی خود را در سیزده اصل خلاصه کرده اند. "هارامبام" اندیشمند نابعه یهودی در قرون وسطی بود که این مهم را به انجام رساند و آن را به یادگار باقی گذاشت.

برخی از این اصول عبارتند از: خدواند یکتاست. پروردگار جسم نیست. باید به ظهور مهدی موعود یهودیان ایمان داشت و باید رسیدن آخرت را باور کرد، و اصول دیگری از همین قبیل. عمرانی در سال ۱۵۰۸ میلادی همه این اصول را به شعر در آورده است - که مصادف با هشتمین سال به روی کار آمدن سلسله صفوی در ایران است.

منظومه دیگر عمرانی "حنوکا نامه" نام دارد که به جشن سنتی یهودی به همین نام مربوط می شود و در سال ۱۵۲۴ سروده شده است و خود می گوید:

چو در فارسی عامه را رغبت است، "حنوکا" بخوانند، با نسبت است

این یک بیت شعر که در اوائل خاندان صفوی در ایران سروده شده، نشان می دهد که یهودیان در آن دوران تا چه حد علاقه داشته اند که اشعار را به زبان فارسی بخوانند. عمرانی در ادامه سروده خود می گوید:

نوشتم همین نامه را رو به رو	نگفتم غلط نکته ها و به گو
چو سنجی اباهت ابا خرده بین	تفاوت ندارد ز هم ، آن و این
که یعنی موافق به عمرانی است	اگر هم قصیر و نه طولانی است

منظورش از "موافق به عمرانی است" آن است که سروده های او با دین "موسی بن عمران" و یهودیت تطابق دارد.

اثر چهارم عمرانی "انتخاب نخلستان" نام دارد و دربرگیرنده حدود ششصد بیت است و خواندن آن نشان می دهد که این شاعر یهودی زاده اصفهان بوده و از آن جا به کاشان رفته است.

برخی اشعار او در این منظومه واقعا دلنواز است و جای دارد که همگان از آن آگاه شوند:

جوانا، سر از پند پیران مپیچ	چو فرمان دهند، سرز فرمان مپیچ
به عهد جوانی، به ترس از خدا	که تا روز پیری نبینی بلا
شب و روز در فکر تدبیر باش	جوانی اگر می کنی، پیر باش
مشو غره بر حسن و عهد شباب،	که ناید به هر روز برجوی، آب
نگه کن به بستان به فصل بهار	بین هر طرف، صد هزاران هزار
گل و سنبل و لاله و نسترن	درختان رعنا به صحن چمن
همه نوجوانان و نوحاسته	چمن را به رعنائی آراسته
همه حله های زمرد به بر	همه تاج های مرصع به سر
نگه کن به فصل خزان ای جوان،	ز پیری بین، جملگی ناتوان
همه از شقاوت، برهنه چه سیر	کفن کرده در بر، به جای حریر
ز بادِ حوادث شده بی نوا	همه زار زار و اسیر و دوتا
به دور جوانی غنیمت شمار	که باشد خزانی پی هر بهار
چو امروز هستی توانا و چوست	دل راست داری و عهد درست،
به اندیش از آن روز، ای بی وفا	که این قامت راست گردد دو تا

و همین طور ادامه می دهد و من در کتاب "منتخب اشعار" هشتاد بیت از سروده های عمرانی را به عنوان نمونه آورده ام.

پنجمین اثر عمرانی که بسیار جالب است، "ساقی نامه" نام دارد که تصور می کنم استاد ضیاءالدین سجادی نیز از آن خیلی خوشش آمده و در نقدی که درباره کتاب "منتخب اشعار" نگاشته توصیه می کند که ساقی نامه عمرانی در کنار ساقی نامه های دیگر شاعران ایرانی قرار گیرد.

عمرانی در "ساقی نامه" خود می سراید:

دی مرا خواند پیر می خانه	گفت کی نیک بخت فرزانه
فصل نوروز و نو بهار آمد	کار کن، هان وقت کار آمد
بلبلان در سماع نوروزی	چند باشی تو در غم روزی؟
باده صاف و هوا جان بخشاست	ببر از باده بخش، تا نقشاست
بخش تو، نقش یار خواهد بود	باش از بخش و نقش خود خشنود

در این ساقی نامه تصور می‌کنم که تفکرات صوفیانه عمرانی زیاد به چشم می‌خورد و در می‌یابیم که این شاعر یهودی ایرانی واقعا فرد درویش مسلکی بوده و به احتمال قوی این اشعار را نیز در اواخر زندگی خویش سروده و در آن به مکاشفات می‌پردازد و از مشاهدات سخن می‌گوید و به پس پرده اشاره می‌کند و آرزوی دیدار یار را دارد که البته منظور نزدیکی به پروردگار است و به وحدت اشاره دارد و در این افکار نزدیکی بسیار دارد به منظومه های اهل تصوف در ایران و بسیار هم جالب است ولی از آن جا که فرصت کافی نیست، نمی‌توان وارد یکایک سروده های او شد.

در عین حال می‌خواهم این موضوع را نیز تذکر دهم که من تمامی این ساقی نامه را که از ابتدا تا انتها حدود دویست بیت است، تلوین کرده و در جلد نخست کتاب "پادیاوند" که در سال ۱۹۹۶ در لوس آنجلس چاپ شده، منتشر ساخته ام.

پرسش - اشاره شما در واقع به سائنامه پادیاوند است که به سردبیری شخص شما انتشار یافته و حاوی تحقیقات و تتبعات و پژوهش های مربوط به تاریخ یهودیان ایران است.

پاسخ - بله این نکته درست است.

ششمین اثر عمرانی "قصه هفت برادران" است که ارتباط دارد با کشته شدن هفت برادر در دوران تسلط آنتیوکوس یونانی بر سرزمین اسرائیل، که یکایک جان خود را از دست می‌دهند. این سروده نیز مرثیه ای است با حدود ششصد بیت شعر که زمان سرودن آن را واقعا نمی‌دانیم ولی استنساخ آن در سال ۱۷۴۹ میلادی صورت گرفته است.

"مناجات نامه" اثر دیگری از عمرانی است و پس از آن "حکایت ده مقتول مقدس" را سروده که می‌پردازد به قتل ده روحانی ارشد یهودی در دوران تسلط امپراتوری روم بر سرزمین اسرائیل. رومیان این روحانیون را پس از شکنجه های بسیار، یکی پس از دیگری به قتل رساندند که یکی از آنها "ربی عقیبا" از ارشدترین عالمان دین یهود بوده است. این سروده نیز جنبه مرثیه ای در سوگ این بزرگان دارد.

نهمین منظومه عمرانی با روایت قربانی کردن حضرت اسحق ارتباط دارد که در واقع آمیخته ای از نثر و نظم می‌باشد.

اثر دهم "گنج نامه" نام دارد و تفسیری از رساله "پیرقه آبوت" (פרקי אבות Pirkey Avot) است که شاید بتوان آن را به فارسی "اندرز پدران" ترجمه کرد و یکی از رساله های دوران "میشنا" (یکی از دو کتاب مجموعه "تلمود") محسوب می‌شود.

از دیدگاه من، گنج نامه نه تنها یکی از بهترین آثار عمرانی است، بلکه یکی از بهترین منظومه هائی است که در تاریخ ادب یهود ایران به جای مانده است. او می‌سراید:

خواهی که جهان شود به کامت،	سلطان جهان بود غلامت،
با خلق خدا به مهربانی	می‌کن به حساب، زندگانی
هرگز دل هیچ کس میازار	کازده شوی در آخر کار

هیزم نشوی میان ایشان	بینی چو دو تن زهم پریشان،
سرگشته و بی خرد، به منزل	ای رفته پی خیال باطل،
نام تو، از آن بزرگ گشته	طبع تو پلنگ و گرگ گشته،
نام همه را قلم کشیده است	پیش از تو، زمانه پیش بوده است
ماننده دیگران کند گم	نام تو دگر میان مردم
بیهوده مباش در پی نام	نام تو چون گم شود سرانجام،
در مرگ، ترا حیات باشد	آن کن که ترا نجات باشد

این بخشی از همان اندیشه های صوفیانه است که می گوید "در مرگ ترا حیات باشد" و یا به زبان صوفیان: "فنا فی البقاء" یعنی فنا شدن نتیجه وجود داشتن است و بقاء بالاخره به فنا می انجامد. البته در زبان صوفیان، بقاء و فنا هر دو مفهوم فلسفی دارد.

در کتاب "منتخب اشعار" سروده های بسیاری از "گنج نامه" آورده شده است؛ به عبارت دقیق تر ۵۶۷ بیت از پنج هزار و اندی بیتی که در "گنج نامه" وجود دارد. این سروده شامل اندرزهای مذهبی و اخلاقی یهود است که در چند هزار بیت به زبان فارسی درآورده شده است.

همان گونه که گفتم این بهترین سروده های عمرانی است و آخرین اثر او محسوب می شود که آن را در سال ۱۵۳۶ سروده و احتمالاً پس از آن سروده هائی ندارد. در حول و حوش همین سال ها بوده که عمرانی به احتمال بسیار چشم از جهان فرو بسته و در آن هنگام هشتاد و دو سال سن داشته است.